



سیره تعلیمی-تربیتی امام رضا (علیه السلام)

در مناظره با اصحاب ادیان و مذاهب

دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۹ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۷

ولی الله نقی پور فر^۱، عبدالرضا زاهدی^۲، یعقوب فتحی^۳

چکیده

از شیوه‌های تبیین معارف دینی در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در مواجهه با مخالفان، مناظره‌ها و احتجاج‌هایی بوده که از سوی آنان در طول تاریخ مدیریت شده است. در این بین، بررسی سیره تعلیمی - تربیتی امام رضا (علیه السلام) در مناظره با اصحاب ادیان و مذاهب مختلف، علاوه بر نشان دادن جایگاه علمی امام (علیه السلام) و شناساندن ایشان به عنوان یک شخصیت کامل انسانی، می‌تواند الگویی برای تدوین سند چگونگی یک مناظره صحیح و اخلاق محور و گامی در راستای تعلیم و تربیت انسان‌ها در طول تاریخ باشد. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی، به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که محورهای مهم سیره تعلیمی - تربیتی امام رضا (علیه السلام) در مناظره با اصحاب ادیان و مذاهب کدام موارد است؟ بر اساس یافته‌های پژوهش، هدف آموزشی، تأکید بر مبانی اساسی اسلام، استناد به متون مقدس و تسلط به زبان‌ها و لهجه‌های مختلف، جدال احسن، حفظ کرامت انسان، انصاف و عدالت در بحث و... از محورهای مهم سیره تعلیمی - تربیتی امام (علیه السلام) در مناظرات با اصحاب ادیان و مذاهب مختلف است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه السلام)، مناظره، اصحاب ادیان، مذاهب، سیره تعلیمی - تربیتی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه قم: v-naghipoor@qom.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (نویسنده مسئول): Doctor_zahedi@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول الدین قم: y.fathi.94@gmail.com

۱. طرح مسئله

نقد و مناظره در تاریخ بشر سابقه دیرینه دارد. تاریخ ادیان توحیدی نشان می‌دهد پیامبران بزرگ الهی همواره در موقعیت‌های گوناگون تبلیغی، از این ویژگی عمومی و فطری بشر بهره‌های فراوان برده‌اند. گفتگوهای حضرت نوح، ابراهیم، شعیب، موسی و عیسی (علیهم‌السلام) با کافران و مخالفان قوم خود، در قرآن اشاره شده است. (ر.ک: انعام/ ۵۲ و ۵۹؛ شعرا/ ۴۱ و ۶۱؛ مریم/ ۶۱ و ۶۵؛ طه/ ۶۱ و ۴۱). همچنین، احتجاج‌های پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با مشرکان عرب، مسیحیان نجران، یهودیان و منکران معاد در بسیاری از آیات و منابع حدیثی انعکاس یافته است (طبرسی، ۱۳۵۰ق: ۲۲).

دوران امام رضا (علیه‌السلام) یکی از شاخص‌ترین ادوار پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی است، به گونه‌ای که به «عصر طلایی» معروف شده است (قرشی، بی‌تا، ج ۲: ۱۸۱). این برهه در تاریخ اسلام با به اوج رسیدن فعالیت ادیان، مذاهب، فرقه‌های انحرافی و گرایش‌های کلامی مختلف در جامعه تشیع اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا از یک‌سو در هر گوشه‌ای از جامعه اسلامی گرایشی کلامی ظهور و فعالیت و مبارزه با اسلام اصیل را شروع می‌کرد. از دیگر سو، طبیعت علم‌دوستی اسلام سبب شده بود موازی با پیشرفت‌های سیاسی و عقیدتی در کشورهای مختلف جهان، علوم و دانش‌های آن کشورها به محیط جامعه اسلامی راه یابد و کتاب‌های علمی دیگران - از یونان گرفته تا مصر و از هند تا ایران و روم - به زبان عربی که زبان جامعه اسلامی بود، ترجمه شود. در این ایام بود که در نتیجه گشایش‌های به‌وجودآمده، گفتمان‌های متفاوت یا حتی متضاد موجود در زیر بستر جامعه، این امکان را پیدا کردند که کشاکش‌های خویش را علنی کنند (ابن واضح، ۱۳۷۵ق، ج ۲: ۴۴۲).

مناظره‌های امام (علیه‌السلام) با ارباب ادیان و مذاهب^۱ مختلف در کتاب‌های روایی و کلامی آمده است (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۱۳-۴۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ۲۹۹؛

۱. منظور از اصحاب ادیان و مذاهب در این پژوهش بیشتر افرادی مانند: نماینده یهودیان (رأس الجالوت)، نماینده مسیحیان (جانلیق)، نماینده زرتشتیان (هربذاکیر)، عمران صابئی، سلیمان مروزی، ابوقره، علی بن محمد بن جهم، مامون، ابن سکیت و نماینده زنادقه، و مادگیریان و افراد دیگرند که ناشناس هستند (قرشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۷۶-۱۰۱).

حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۲۸۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۱۵). این مجموعه بخشی از جلسات مناظره‌ای است که مأمون پس از ورود ایشان به خراسان ترتیب داده بود. در اهداف مأمون از برگزاری این جلسات اختلاف نظر وجود دارد (ر.ک: مرتضوی، ۱۳۷۴). این مناظره‌ها از حیث موضوع، کمیت و کیفیت متفاوت است. آنچه از این مناظره‌ها در جوامع روایی به یادگار مانده، اغلب شامل رئوس مطالب مطرح شده است و از جزئیات جلسات، اطلاع چندانی در دست نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۵) اما همین مقدار در دسترس نیز حاوی سخنانی نغز و مطالبی ژرف و دریایی از معارف تعلیمی - تربیتی و گامی در راستای هدایت‌پذیری انسان‌ها در طول تاریخ است. گفتنی است، مباحثی چون اثبات توحید، ذات و صفات خدا، کیفیت آفرینش و ویژگی‌ها و اقسام آفریدگان، نفی تشبیه، نفی تجسیم، اثبات نبوت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، ویژگی‌های امام و نفی الوهیت حضرت عیسی (علیه‌السلام) و تثلیث، از محورهای مهم مناظره‌های امام رضا (علیه‌السلام) با اصحاب ادیان و مذاهب مختلف است.

حفظ بنیان‌های اصیل و باورهای عمیق تعلیمی - تربیتی یکی از ویژگی‌های اساسی است که در قرآن و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) به‌ویژه مناظره‌های امام رضا (علیه‌السلام) قابل ردیابی است. امام رضا (علیه‌السلام) در تمام مناظره‌های خود به دنبال اهداف تعلیمی - تربیتی و هدایت افراد بودند و هیچ‌گاه تخطئه و تخریب افراد را بر نمی‌تابیدند. حضرت هیچ‌گاه خشمگین نمی‌شد. حتی اگر سخنان باطل می‌شنید، با مبنای طرف مقابل استدلال و انصاف را رعایت می‌کرد. توجه به بُعد تعالی‌بخشی و تعلیم و تعلّم از ویژگی‌های دیگر مناظره‌های امام (علیه‌السلام) است به طوری که تلاش‌های ایشان سبب احیای دوباره اسلام گردید (خاکپور، ۱۳۹۳: ۹).

فرضیه پژوهش این است که امام رضا (علیه‌السلام) نماد اصول محوری، خردگرایی، آزادی‌خواهی، رهایی‌بخشی، هدایت و لطف الهی بوده و شیوه مناظره و مجادله ایشان با مخالفان نیز تعلیمی - تربیتی و همخوان و منطبق با رهیافت قرآن کریم است. این اسلوب مناظره ایشان مبتنی بر قاعده «جدال احسن» (مبتنی بر اخلاق، برهان، حکمت و موعظه حسنه و به نیت تعلیم و تربیت است و در تضاد با «مراء» (استوار بر

لحن تند، تعصب و با قصد تخریب و منکوب کردن) است.

درباره پیشینه پژوهش نیز باید گفت، آثار و تألیفات قابل توجهی درباره سیره زندگانی امام رضا (علیه‌السلام) به‌ویژه بعد مناظرات ایشان با مخالفان عصر رضوی به ثمر رسیده است که به‌لحاظ روایی و تاریخی، در کتاب‌های مختلف ذکر شده است. از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق: ۹۱؛ طبرسی، ۱۳۵۰ ق: ۴۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۳۱۳؛ عطاردی، ۱۳۷۹. برخی مقالات نیز که بیشترین ارتباط با موضوع را دارند، عبارتند از: لکزایی و قاسم نژاد، ۱۳۹۱: ۱۱۵؛ میرحسینی و کریمی، ۱۳۹۲: ۱۱۴-۹۵؛ میراحمدی و رضایی‌پناه، ۱۳۹۴: ۹۶-۷۵؛ خاکپور و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۶۳-۹۴؛ برندق، ۱۳۹۶: ۳۰-۱؛ زرسازان، ۱۳۹۴: ۹۴-۶۴؛ امینی‌فر، بی‌تا، ۲۴-۱؛ خیاط و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۰-۶۱؛ مصالایی‌پور و سلیمی، ۱۳۹۲: ۱۱۴-۸۷؛ شریفی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷۶-۱۴۹.

نکته حایز اهمیت این است که هیچ یک از نوشته‌ها با رویکرد پژوهش حاضر همسویی و همپوشانی کامل ندارد. آنچه از آثار نوشته شده در این باب بر می‌آید، نوعاً نقل بدون تحلیل وقایع است و کمتر از تحلیل رفتارها سخن به میان آمده است. برخی دیگر نیز درباره ابعاد دیگر سیره رضوی قلم زده‌اند. بنابراین، این جستار با مراجعه به سیره رضوی پس از گردآوری اطلاعات و داده‌ها و اقتضای موضوع، تجزیه و تحلیل شد و سنی استخراج و عنوانی برای آن انتخاب گردید. این پژوهش چنان که از عنوانش پیداست، با یک مطالعه ژرف‌کاوانه و با استقرای کامل از تمام مناظره‌های امام (علیه‌السلام) با ارباب ادیان و مذاهب و تحلیل همه آثار نوشته‌شده در این زمینه در مقام استخراج سیره تعلیمی - تربیتی امام رضا (علیه‌السلام) در مناظره با اصحاب ادیان و مذاهب است و باید اذعان کرد که یکی از اصول مهم سیره تعلیمی - تربیتی امام (علیه‌السلام) درهم‌تنیدگی مقوله تعلیم و تربیت است. مراد از تعلیم در سیره تعلیمی، آشناکردن متربی با قواعد کلی حاکم بر اخلاق و نیز آشناکردن او با رفتارهای شایسته اخلاقی است. به همین سبب، بیشتر با بعد شناختی و فکری متربی سروکار دارد و مراد از تربیت ایجاد و تقویت عادت‌های رفتاری

مطلوب در مرتب‌ی است به‌گونه‌ای که بتواند به آسانی در هر شرایطی و در هر موردی رفتار شایسته اخلاقی متناسب با آن را انجام دهد و این دو به وجهی بسیار ظریف با هم تنیدگی و همپوشانی دارند.

درباره نوآوری پژوهش نیز باید متذکر شد، با توجه به ابعاد وسیع و متنوع شخصیت امام رضا (علیه‌السلام) و نوع و چگونگی یک سیره، می‌تواند نکات، ظرافت‌ها، اصول و قواعد حاکم بر آن سیره را کشف کند و در موقعیت‌های دیگر نیز از آنها استفاده کرد. بسیاری از نکات تعلیمی - تربیتی که به‌صراحت در سخنان امام (علیه‌السلام) بیان نشده، در سیره تعلیمی - تربیتی ایشان نهفته است. پس این وظیفه سیره‌پژوهان است که آن نکات را از عمق این سیره به‌دست آورند. در این راستا، شاید بتوان اذعان کرد که هدف این پژوهش کاوشی در واکاوی این حلقه مفقوده و مبتنی بر علوم تربیتی و دانشی در مناظره با یک گروه مشخص به نام ارباب ادیان و مذاهب در عصر رضوی بوده و تاکنون از این منظر، بدیع است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱ سیره

«سیره» بر وزن «فعلّه» از ماده «سیر» گرفته شده است و سیر به‌معنای حرکت و راه‌رفتن است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۲۸۹). همچنین سیره به‌معنای روش، سنت، هیئت و حالت نیز آمده است (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۵۵۶)

سیره در اصطلاح دارای دو معناست: یکی به‌معنای «چگونگی و نوع عمل» است که این معنا همه رفتارهای آدمی را شامل می‌شود زیرا هیچ‌فعالیتی بدون حالت خاص تحقق نمی‌یابد. این مفهوم هم شامل رفتارهای خاص و متعین انسان است، از آن نظر که کیفیت و تعینی در کل رفتار اوست و هم بر سیره شخص؛ یعنی بر هر فعالیت و

عملکردی که از او سر زده است دلالت می‌کند، چه یک‌بار اتفاق بیفتد و چه مکرر و پیوسته باشد. اما معنای اصطلاحی دیگر سیره «سبک و قاعده رفتار» است که اخصّ از معنای اول و مستلزم تکرار و ادامه رفتار از جانب شخص است تا بتوان سبک و قاعده حاکم بر آن را به دست آورد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۰).

از آنجاکه این پژوهش در راستای تبیین سیره تعلیمی تربیتی امام رضا (علیه‌السلام) است، در پی ارائه نمونه‌هایی از شیوه‌ها و فنون اجرای هر روش توسط آن حضرت است. بنابراین، معنای متناسب با این مقصود، معنای اصطلاحی اول، یعنی چگونگی و نوع عمل خواهد بود. بنابراین، مقصود از «سیره» در این پژوهش سبک و رفتارشناسی است و در واقع، شناخت اصول، معیارها و روش‌هایی است که امام رضا (علیه‌السلام) در رفتار و کردار خویش دارد.

۲-۲-۲ تعلیم و تربیت

«تعلیم» مصدر باب تفعیل است که از ماده (ع - ل - م) مشتق شده و در لغت به معنای آموختن است. راغب اصفهانی می‌گوید: «تعلیم به اموری اختصاص دارد که با تکرار و فراوانی همراه باشد، به گونه‌ای که از آن، اثری در ذهن متعلم به وجود آید.» برخی نیز در بیان آن گفته‌اند: «تعلیم، آگاه کردن نفس برای تصور معانی است و تعلم آگاه شدن نفس بر آن است.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ماده علم؛ زبیدی، بی‌تا، ماده علم).

«تربیت» نیز آن گونه که راغب اصفهانی بیان کرده «اصل آن از (رب) است که یک حرف آن برای تخفیف در لفظ به حرف (ی) تبدیل شده است و به معنای رشد دادن تدریجی است.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۴۰).

عرب‌زبانان به تپه «رَبْوَه» می‌گویند زیرا نسبت به سطح زمین برآمده‌تر است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۴۸۳).

نفس زدن را «ربو» می‌گویند زیرا به‌هنگام نفس کشیدن سینه برآمده و نیز «ربا» را بدین نام نهاده‌اند از آن روی که بر مال، افزوده می‌شود. (همان)

نکته مهم در معنایی که راغب اصفهانی در کتاب خویش آورده، تدریجی بودن تربیت است که امری است قابل توجه و بسیار مهم. حاصل سخن آن است که آنچه در معنای این ریشه بتوان به‌عنوان معنای لغوی آن بیان کرد، همان افزودن و رشد است. بدین جهت، می‌توان گفت که تعلیم، شرط لازم تربیت است.

استاد شهید مرتضی مطهری نیز تربیت را این‌گونه تعریف می‌کند:

«تربیت، عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت درآوردن و پروردن و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها، یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است... از همین جا معلوم می‌شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، یعنی تابع و پیرو طبیعت و سرشت شیء باشد.» (مطهری، ۱۳۸۳: ۵۶ و ۵۷).

با مقایسه آنچه در مجموع درباره معنای ریشه‌ای لغات تعلیم و تربیت گفته شد، روشن می‌شود که نه تنها تعلیم وسیله‌ای برای تربیت به‌شمار می‌رود، بلکه خود از مصداق‌های تربیت است. البته، بین تربیت در مقام عمل، و دانش تربیت، فرق است. تربیت در مقام عمل، امری است که بر فرد یا گروهی از افراد اعمال می‌شود یا فرد یا گروهی از افراد آن را می‌پذیرند؛ اما دانش تعلیم و تربیت یک رشته علمی است که واقعیت‌ها و موقعیت‌های تربیتی را تحقیق و بررسی می‌کند و امروزه مشروعیت خود را در عرصه علوم به اثبات رسانده است. به‌همین دلیل، تعریفی که در این پژوهش از مقوله تعلیم و تربیت مبنای مباحث قرار گرفته این است که اولاً تعلیم و تربیت مجموعه‌ای از اعمال عمدی و هدفدار است که بر اساس برنامه‌ای سنجیده انجام می‌شود تا شناخت‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارهای مطلوب را در متریبان پرورش دهد. ثانیاً، محیط تربیت محدود به مدرسه و دانشگاه نیست بلکه هر محیطی که چنین فرایندی در آن رخ دهد، محیط تعلیمی - تربیتی نامیده می‌شود. بنابراین، هر

رفتاری که از امام (علیه‌السلام) در صحنه مناظرات رخ می‌دهد گامی است در راستای پرورش شناخت‌ها، باورها و رفتارهای مطلوب دیگران و هدف نهایی آن است که شخص آگاهانه ارزش‌ها را بپذیرد و به آنها التزام داشته باشد.

۲-۳ مناظره

مناظره از ریشه «نظر» به معنای نظردادن، تأمل و اندیشیدن و از باب ثلاثی مزید (مفاعله) «نظر» به معنای این است که دو نفر نظر خود را ارائه دهند و یک طرف بر طرف دیگر غلبه پیدا کند. بنابراین، تعریف مناظره عبارت است از اینکه دو صاحب‌نظر به اعتبار اثبات نظریه خود و ردّ نظریهٔ رقیب، به صورت رسمی یا غیررسمی، مکتوب یا شفاهی به بحث و نظر بپردازند. در واقع، مناظره یکی از حرفه‌های مربوط به حوزهٔ آموزش و پژوهش است و زیرمجموعهٔ اخلاق مربوط به دانش قرار می‌گیرد و رابطهٔ آن با اخلاق نقد عموم و خصوص است. ولی مجادله یا جدل یکی از فن‌های صناعات خمس در علم منطق است که استدلال‌کننده در نظر دارد با استفاده از مشهورات، به هر صورت ممکن مخاطب خود را مغلوب کند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق: ۲۲).

خواجه نصیرالدین طوسی نیز علم مناظره را این‌گونه معرفی می‌کند:

«مناظره میان دو صاحب رأی متقابل است که هر یک متکفل بیان رأی خود است؛ به شرط آنکه هر دو بُعد از وضوح، مساعدت حق کنند و غرض دیگری در کار نباشد.» (طوسی، ۱۳۶۱: ۴۴۸). مناظره در حقیقت مرحلهٔ محک‌زدن رأی و نظر و به‌دآوری گذاشتن سخن و دیدگاه مورد دفاع است. از همین رهگذر، باید با کمال دقت به انجام برسد و تمام جوانب سخن سنجیده و بیان شود. تجزیه و تحلیل کلمه‌ها، جمله‌ها و دقیق شدن در تمامی ابعاد سخن و التزام عملی بر واژگان مورد استفاده در یک مناظره، نشانگر آن است که: ۱. منطقی که مناظره بر آن استوار است بر پایه و اساس درستی بنیان نهاده شده است. ۲. مناظره‌کننده کسی است که به نظر خود بر جان حقیقت دست یافته و در موضع حق و دفاع عقلانی از اندیشهٔ خود

ایستاده است (پاشا صالح، ۱۳۱۷: ۷). با این توضیح، باید گفت مناظره گفتمانی برای ایجاد فهم مشترک و درک متقابل همراه با اثربخشی متقابل است. از این رو، امام رضا (علیه السلام) مناظره را یکی از روش‌های تعلیمی - تربیتی در موضوعات پرچالش و درخور توجه و اهتمام می‌دانستند. با عنایت به اینکه محور اصلی مواجهه امام رضا (علیه السلام) با مخالفان از اصحاب ادیان و مذاهب مناظره رودر رو بوده است، در این پژوهش به بررسی سیره تعلیمی - تربیتی امام (علیه السلام) در این مناظره‌ها می‌پردازیم.

۳. سیره تعلیمی - تربیتی امام رضا (علیه السلام)

در تعلیم و تربیت هدف به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که سودمند تشخیص داده شده و برای رسیدن به آن فعالیت‌های مناسب تعلیمی - تربیتی انجام می‌گیرد.

امام رضا (علیه السلام) به عنوان یگانه دوران خویش با بهترین شیوه به مواجهه با ارباب ادیان و مذاهب اسلامی و غیراسلامی پرداخته و علاوه بر شناسایی اندیشه‌های دیگران، با رعایت آداب گفتگو، انصاف و عدالت و به دور از هر گونه تعصب، رعایت حقوق عمومی و... آنها را به دین حق دعوت می‌کردند. امام (علیه السلام) گامی مؤثر برای رفع اختلاف‌ها و آشکار ساختن نواقص موجود در ادیان تحریف شده و اثبات حقانیت دین اسلام برداشته و به شیوه مناظره، با رعایت اصل اخلاق مداری اجتماعی و تحمل دیگران، در صدد اقناع آنها برآمدند.

راهبردهای اندیشه‌ای و رویه‌های هدفمند امام رضا (علیه السلام) در مناظره‌ها و احتجاج‌ها، در راستای معرفت‌افزایی دانشمندان سایر ادیان و مذاهب و هدایت و تربیت آنان به سوی اسلام با مدنظر قراردادن سیاست هدایت جامعه و نیز روشنگری و تسویه افکار عمومی بر ضد حکومت ظالمانه عباسی است (آقا سید محمد قاری، ۱۳۹۱: ۶۴-۶۵). امام (علیه السلام) برای جلب مردم به دین مبین اسلام و اثبات حقانیت دین، از

روش‌هایی استفاده می‌کردند که با اصول و مبانی دین مطابقت کامل داشت. در واقع، امام با علم به این مسئله که همان اندازه که هدف مقدس است، روش‌های رسیدن به آن هدف هم از تقدسی خاص برخوردار است، در تعامل‌های خود روش‌هایی را به کار می‌گرفتند که هم با ویژگی‌های فطری و عاطفی و طبیعی مطابقت و هم مبنای عقیدتی و تربیتی خاص خود را داشته باشد.

آنچه در سیره و رفتارشناسی امام (علیه‌السلام) در مناظره با اصحاب ادیان و مذاهب مشهود است، پرهیز امام از حصرگرایی در روش، در راستای تعلیم و تربیت افراد است. امام مراتب مختلفی برای معرفت‌یابی قایلند که دستیابی به هر یک با ابزار و روش ویژه‌ای ممکن می‌گردد. منطق حاکم بر مناظره‌های امام رضا (علیه‌السلام) دارای طیف وسیعی از سیره‌ی تعلیمی - تربیتی است که به موارد مهم آن پرداخته می‌شود.

۳-۱- هدف آموزشی

هدف از مناظره، همیشه «بیان برتری خود (یک‌طرف) بر دیگری» نیست. هدف اصلی مناظره‌های رسمی، رسیدن به حقیقت یک امر است؛ اما این هدف همیشه در مناظره‌ها لحاظ نمی‌شود. یکی دیگر از هدف‌های مناظره آموزش است؛ آموزشی غیرمستقیم که به دلیل شیوه خاص مناظره، در اذهان ماندگار است. (شهیدثانی، ۱۳۷۴: ۵۴۷-۵۵۱). این مهم در مناظره امام (علیه‌السلام) با عمران صابی به صورت کاملاً ملموس تبیین می‌شود؛ آنجاکه عمران صابی که از بزرگ‌ترین متکلمان زمان خویش بود، از چگونگی اثبات وجود پروردگار پرسش کرد. دامنه گفتگو میان امام (علیه‌السلام) و عمران در این باره به باریک‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل مربوط کشیده می‌شود. امام (علیه‌السلام) با روشی ساده و جالب و با استدلال، به حقایق روشن علمی، ۲۱ پرسش وی را در مسائل اعتقادی پاسخ می‌دهد. امام (علیه‌السلام) وقتی به قسمتی از سؤال‌های او جواب می‌دهد، از او می‌پرسد: ای عمران، آیا فهمیدی؟ و وقتی جواب مثبت را دریافت می‌کند، به جواب سؤال بعدی می‌پرداخت. (ر.ک: ابن

بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۴۱؛ فضل‌الله، ۱۳۸۳: ۲۰۴-۲۰۵) روشی که معمولاً غیرمتداول است ولی از آنجا که فلسفه اصلی همه مناظره‌های امام (علیه‌السلام) تعلیم و تربیت افراد است، شاهد این شکل مناظره از امام (علیه‌السلام) هستیم.

۳-۲ تأکید بر مبانی اساسی اسلام

امام به‌خصوص در مناظره با طرف‌های درگیر در بصره که کانونی برای فتنه مذهبی و نزاع میان مسلمانان با دیگر ادیان شده بود، ابتدا با استناد به شهادت پیامبران پیشین، بر حقانیت و بعثت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، اصل حقانیت اسلام را در مقایسه با دیگر ادیان به اثبات رساندند. همچنین، با تأکید بر توانایی‌ها و شایستگی‌های خود امام که بعد از حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) کسی است که برنامه‌های او را تداوم بخشد و زینده کسی است که با همه امت‌ها و پیروان مذاهب گوناگون با کتاب خود آنها گفتگو کند، مسیحیان را با انجیل، یهودیان را با تورات و مسلمانان را با قرآن قانع کند، عالم به همه زبان‌ها باشد و با هر قومی با زبان خودشان سخن گوید و علاوه بر اینها باتقوا و از هر عیب و نقصی پاک باشد. عدالت‌پیشه، باانصاف، حکیم، مهربان، باگذشت، درستکار و مدبر باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۸۰؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۸: ۹۴). جایگاه خطیر امامت را تبیین کرده و دست‌اندازی‌های اغیار به این منصب الهی را در طول تاریخ محکوم می‌کند.

در یکی از این مناظره‌ها، مأمون از امام درباره‌ی شأن و منزلت امامت پرسید و امام در پاسخ فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ أَيْدَنَا بِرُوحٍ مِنْهُ مُقَدَّسَةٌ مَطْهَرَةٌ لَيْسَتْ بِمَلِكٍ لَمْ تَكُنْ مَعَ أَحَدٍ مِمَّنْ مَضَى إِلَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ هِيَ مَعَ الْأُمَّةِ مَنَّا تَسُدُّهُمْ وَ تَوْفِّقُهُمْ وَ هُوَ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»؛ (خداوند عزوجل ما را با روح الهی تأیید کرده؛ روح پاک و مطهری که فرشته نیست و با گذشتگان همراهی نکرده است، مگر با رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله). این روح الهی با امامان از ما اهل بیت است و آنان را تأیید

می‌کند و موفق می‌سازد و آن ستونی از نور است که بین ما و خدای متعال قرار دارد) (ابن بابویه، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۰۱). با ذکر این توصیف‌ها امام بر حقانیت خود و جایگاه امامت در نزد خدا و اسلام پرداخته و هرگونه غصب این جایگاه خطیر را توسط نا اهلان نفی و تخطئه می‌کند.

۳-۳ استفاده از روش پرسش و پاسخ

«پرسش و پاسخ» از روش‌هایی است که معصومان (علیهم‌السلام) در آموزش احکام و معارف دینی از آن بهره می‌بردند. در آیاتی از قرآن کریم هم اشاراتی به این روش شده است (بقره/۱۸۹؛ نساء/۱۲۷؛ یونس/۵۳). در این شیوه فرد برای فرار از قید تکبر و انانیت، به جای اینکه از طرف خود مطلبی را بگوید که این فکر تداعی شود که من می‌دانم و شما نمی‌دانید، از شیوه سؤال کردن استفاده می‌کند که تداعی کننده این فکر است که طرف مقابل هم می‌داند. این روش همه جنبه تعلیمی دارد و هم جنبه تربیتی. شاید بتوان گفت، یکی از شاخص‌ترین مناظره‌های امام رضا (علیه‌السلام) با ارباب ادیان و مذاهب مختلف در موضوع توحید، مناظره‌ای است که شیخ صدوق آن را با عنوان «باب ذکر مجلس الرضا مع اهل الادیان و اصحاب المقالات فی توحید عند المأمون» آورده است. در این مناظره مفصل تقریباً همه سرفصل‌های بحث به صورت پرسش و پاسخ مطرح شده است. (ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۵۶-۱۵۴). توضیح آنکه، با توجه به موقعیت زمانی امام رضا (علیه‌السلام) امکان گفتگو و تعامل حضرت نسبت به ائمه بعد از ایشان بیشتر بوده است. ابن شهر آشوب آورده است: «هنگامی که مردم در امر امامت امام رضا (علیه‌السلام) اختلاف کردند، از مسائلی که از آن حضرت سؤال شد و ایشان پاسخ دادند ۱۸ هزار مسئله جمع‌آوری شد.» (ابن شهر آشوب، بی‌تا، ج ۴: ۳۵۰). پر واضح است، به رسمیت شناختن حق سؤال برای مخاطب، از لوازم آزادی فکر و بیان به‌شمار می‌آید. حضرت (علیه‌السلام) در مناظره با ارباب ادیان و مذاهب مختلف هم در موارد متعدد از روش سؤال کردن استفاده می‌کند که گویی رویه ایشان است. یکی از مصداق‌های بارز این روش گفته

جائلیق است که در پایان بحث و مناظره‌اش با امام (علیه السلام) خاطر نشان می‌کند: من می‌خواهم کس دیگری با شما شروع به بحث کند. به حق مسیح سوگند که نمی‌دانستم در بین علمای مسلمانان مثل شما پیدا خواهد شد که هر چه ما سؤال کنیم، پاسخ دهد (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۶۴). امام (علیه السلام) رو به یهودی کرد و فرمود: شما سؤال می‌کنید یا من سؤال کنم؟ در این هنگام، یهودی می‌گوید: من سؤال می‌کنم. سپس اضافه می‌کند که فقط از تورات، انجیل، زبور، صحف ابراهیم و موسی سخن بگوییم (همان). در یکی دیگر از مناظره‌ها به یکی از یاراناش فرمود: «تمام کسانی را که در جلسه محمد بن فضل حاضر بودند و بقیه شیعیان ما را دعوت کن. جائلیق مسیحی و رأس الجالوت یهودی را نیز فرا بخوان و از آنان بخواه که در جلسه هر چه می‌خواهند از من بپرسند.» (مجلسی، ۱۳۷۶ق، ج ۴۹: ۷۲). به همین خاطر، می‌توان گفت محورهای طلوع نهضت فکری و کلامی و جان‌گرفتن کنش‌های دینی و اعتقادی عصر رضوی، التفات خاص امام (علیه السلام) در ساحت فکر و اندیشه است.

۳-۴ استناد به امور عقلی

تأکید بر جایگاه خطیر عقل و معرفی آن به‌عنوان حجت باطنی از طرف خدا برای انسان‌ها (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۱: ۲۵) بیانگر بلندمرتبه بودن مقام عقل در منشور فکری امام رضا (علیه السلام) است. عقل محوری امام (علیه السلام) از کلام و سیره احتجاج‌های علمی ایشان به‌صورت ملموس و قابل توجه استنباط‌پذیر است؛ بدین‌صورت که مناظره‌های آن حضرت بر استدلال‌هایی چون برهان، خطابه و جدل مبتنی بوده است. سخن خود امام (علیه السلام) آنجا که می‌فرماید:

«امام دعوت‌کننده به سوی خداست بر اساس حکمت، موعظه حسنه و حجت بالغه.» (ابن بابویه، ۱۳۷۲ق، ج ۱: ۲۱۶). بر این اساس، امام (علیه السلام) با مخاطب‌شناسی، از سه طریق عقلی (برهان، خطابه و جدال احسن) برای اثبات حق بهره می‌بردند (طباطبائی، ۱۳۸۲ق، ج ۱: ۷۴).

آن حضرت در بسیاری از گفتمان‌های خود با زمینه‌سازی‌های روان‌شناختی و ذهنی در مخاطب، توانمندی وی را در ادراک عمیق، همه‌جانبه و نظام‌دار از موضوع‌های مورد بحث افزایش می‌داد و وی را هدایت و تربیت می‌کرد. حتی طرف مقابل را به‌صراحت به تعقل و بارور کردن فکرش دعوت می‌کرد. از جمله، حضرت در مناظره با عمران صابی عقلی‌مسلك، چندبار او را به تعقل و تعلّم اشارت دادند و در پاسخ به تمام پرسش‌های او، از دلایل عقلی استفاده کردند. (مجلسی، ۱۳۷۵، ج ۱۰: ۳۱۰-۳۱۷).

خردپذیری استدلال‌های امام (علیه‌السلام) در مناظره‌ها با اندیشه‌های مخالف ارباب ادیان و مذاهب، جزء الگوهای ویژه منطقی و عقلانی امام (علیه‌السلام) بود که باعث تسلیم‌شدن مخالفان و هدایت‌پذیری آنان به اسلام و تشیّع می‌شد. روایات بسیاری نیز مبتنی بر اعتراف و اذعان به تعقل‌ورزی حضرت توسط دانشمندان، دوستان و مخالفان ایشان وجود دارد. به‌عنوان نمونه، به اعتراف مأمون مبنی بر اینکه امام (علیه‌السلام) داناترین و عابدترین مردم روی زمین است، می‌توان اشاره کرد (فضل‌الله، ۱۳۶۶: ۴۰). امام (علیه‌السلام) در پاسخ مأمون که اصرار بر قبول خلافت داشت، با ارائه دلایل عقلی اثبات فرمودند که خلافت حق مأمون نیست که بخواهد آن را واگذار کند. در همین راستا می‌فرماید: «اگر این خلافت حقّ توست و خداوند آن را برای تو مقرر کرده است، جایز نیست خود را از آن خلع کنی و لباسی را که خداوند بر تو پوشانده از خود دور کنی و بر دیگری بپوشانی و چنانچه خلافت حق تو نیست، حق نداری آن را به دیگری واگذار کنی.» (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۳۲). به همین دلیل است که قمست عمده‌ای از روایات آن امام (علیه‌السلام) به مباحث عقلی و کلامی و مجادلات کلامی آن هم در شکل پرسش‌وپاسخ و گاه مناظره قالب‌بندی می‌شود و عقل‌گرایی و خردورزی صبغه عامّ روایات ایشان است (برای گونه‌شناسی روایات ائمه (علیهم‌السلام) و مقایسه آنها با یکدیگر، ر.ک: عطاردی، ۱۴۰۶ق). این سیر در روایات دیگر امامان معصوم (علیهم‌السلام) به این وضوح دیده نمی‌شود (جعفریان، ۱۳۹۱: ۴۵۰). در همین راستا می‌توان به اثری از آیت‌الله جوادی آملی اشاره کرد که گروهی از احادیث اعتقادی با مضامین فلسفی از امام رضا (علیه‌السلام) را در مجموعه

مستقلی به نام «علی بن موسی الرضا و الفلسفة الالهية» در تألیفی هماهنگ و با تبیینی منسجم، جمع‌آوری کرده است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۴).

۳-۵ استفاده از الگوی حکمت

«حکمت» به معنای رسیدن به حق توسط علم و عقل است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۲۴۹) و به حجت و منطقی اطلاق می‌شود که حق را نتیجه دهد به گونه‌ای که هیچ شک و ابهامی در آن باقی نماند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۳۷۱).

آن حضرت در بسیاری از گفتمان‌های خود با زمینه‌سازی‌های روان‌شناختی و ذهنی در مخاطب، توانمندی وی را در ادراک عمیق، همه‌جانبه و نظام‌دار از موضوع‌های مورد بحث بالا می‌برد و وی را هدایت و تربیت می‌کرد. حتی طرف مقابل را به صراحت به تعقل و بارور کردن فکرش دعوت می‌کرد. از جمله، حضرت در مناظره با عمران صابی چند بار او را به تعقل و تعلم اشارت دادند. (مجلسی، ۱۳۷۵، ج ۱۰: ۳۱۰-۳۱۷). منظور امام این بود که او با افزایش تعقل، توانمندی خود را در درک حقایق ارتقا دهد و به حدی به تشخیص برسد که فکرش تسلیم حقایق شود. تبیینی دیگری از معنای حکمت در معارف اسلامی این است که حکمت به مفهوم معارف حقی است که منطقی و روشن بودن آن در حدی است که خودبه‌خود، امور باطل و متعارض با آن را ابطال می‌کند؛ مانند آیاتی که تعلیم و آموزش حکمت را در برمی‌گیرد (جمعه/ آیه ۲). این مفهوم ۱۳ بار در قرآن کریم به کار رفته است (همان، ۱۳۷۵، ج ۱۰: ۳۱۰). امام رضا (علیه السلام) در به‌کارگیری این شیوه حکمتی، در گفتمان‌های خود درباره هر موضوعی به تبیین معیارهای کلی، عقلانی و اصول موضوعه می‌پرداخت (جعفری، ۱۳۶۵، ۵۷۲) و مباحث را به گونه‌ای منطقی تنظیم می‌کرد که هرگونه ابهامی را برطرف می‌ساخت و طرف مقابل را به حقیقت رهنمون می‌شد (همان، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۳۱۰-۳۱۱) و با پرسش و پاسخ‌های مکرر و کشف مغالطات کلام و عقاید مناظره‌کننده و روشن‌سازی معارف حقیقی موضوع مورد بحث بر امور باطلی که وی به آن عقیده

داشت، مهر ابطال می‌زد (همان، ج ۲: ۳۳۳). برای نمونه، امام رضا (علیه‌السلام) این استدلال اصحاب ادیان به پیامبری پیامبرشان را مبنی بر اینکه معجزاتی انجام داده‌اند که دیگران انجام نداده‌اند، با دلیل عقل رد می‌کنند چنان‌که این استدلال هم در مقابل یهودیان و هم مسیحیان و هم زردشتیان استفاده می‌شود. برای نمونه، در مجلسی که اصحاب ادیان حاضر بودند، امام از موبد، بزرگ زردشتیان، علت ایمان آوردن آنان به نبوت زردشت را می‌پرسند و با جواب موبد مبنی بر اینکه علت ایمان آوردنشان به زردشت، آوردن معجزاتی برای آنان است که کسی قبل از او نیاورده با اینکه ندیده‌اند اما اخبار از گذشتگان به آنان رسیده که برای ایشان چیزی را حلال کرده که دیگری نکرده است. به همین جهت، پیرو او شده‌اند. در این هنگام، امام (علیه‌السلام) از او می‌پرسد: مگر شما از راه اخبار پیرو او نشده‌اید؟ که با جواب مثبت موبد مواجه می‌شود. بلافاصله امام می‌فرماید: همین‌طور سایر امت‌های گذشته به دلیل اخباری که از پیامبران به آنها رسیده و آنچه موسی و عیسی (علیهم‌السلام) و محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) انجام داده‌اند، ایمان آورده‌اند. شما چه دلیل دارید که به آنها ایمان نمی‌آورید؟ همان‌طور که از طریق اخبار متواتری که شاهد است زردشت چیزی آورده که دیگری نیاورده، به او ایمان آورده‌اید؟ با این الگوی حکمتی، امام (علیه‌السلام) موبد زردشتی را اقناع و مجاب می‌کند (همان: ۳۰۳).

۳-۶ استناد به متون مقدس و زبان اقوام و ملل گوناگون

کارکرد بهره‌برداری از وحی بر این پایه فکری استوار است که وحی اطلاعاتی را در اختیار انسان قرار می‌دهد که با عقل و تجربه قابل دستیابی و رصد نباشد. یکی از دلایل اصلی بعثت انبیا، ضعف عقل در درک مصالح و مفاسد اجتماعی انسان است. در همین راستا بعثت رسولان الهی در کنار انذار، تبشیر و اتمام حجت بر خلق، بصیرت‌زایی انسان‌ها در طول تاریخ بوده است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۴۱). این عرصه نه تنها برای قرآن قابل اثبات است بلکه برای دیگر کتاب‌های آسمانی هم جاری و دائرمدار است. امام خود به این مهم اذعان داشته‌اند. امام رضا (علیه‌السلام) در

مناظره با پیروان مکاتب دیگر مانند یهود و مسیحیت، از کتاب‌ها، شواهد و بیانات موجود در کتاب‌های آسمانی آنان استفاده کردند تا مورد قبول ایشان قرار گیرد. بر اساس احادیث (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۰۱) و آموزه‌های کلامی شیعه (عاملی، بی‌تا: ۱۴۲؛ ابن بابویه، ۱۳۶۱: ۹۸) امام باید داناترین و فاضل‌ترین فرد جامعه اسلامی باشد تا بتواند به آسانی از عهده پاسخگویی به همه پرسش‌ها و چالش‌های علمی مربوط به اسلام و جامعه اسلامی برآید. بر اساس این دیدگاه، امام حجت خدا بر مردم است و باید از هر دانشی که برای هدایت مردم لازم است، برخوردار باشد. بر اساس احادیث و آموزه‌های یادشده، گستره علم و دانش امام افزون بر قرآن و سنت (عاملی، بی‌تا: ۱۴۴)، حوزه‌های دیگری از جمله کتاب‌های مقدسی چون تورات، انجیل و زبور (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۲۷) و زبان اقوام و ملل گوناگون (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۳۰۱) را نیز در برمی‌گیرد. امام (علیه‌السلام) از راه‌هایی چون الهام و مانند آن، از محتوای اصلی و تحریف‌نشده این کتاب‌ها و از تاریخ و تحولات آن باخبر بود و در مناظره با اهل کتاب، بدان‌ها استناد می‌جسته است.

در جلسه‌ای، مأمون از جاثلیق می‌خواهد با امام (علیه‌السلام) مناظره کند. وی در پاسخ اذعان می‌کند: چگونه با شخصی بحث کنم که به کتابی استدلال می‌کند که من منکر آن هستم و به پیامبری که ایمان به نبوت او ندارم؟ در این هنگام، امام پاسخ می‌دهند: «اگر به انجیل خودت استدلال کنم، اقرار می‌کنی؟» و با جواب مثبت جاثلیق مواجه می‌شود که: مگر می‌توانم گفته انجیل را نپذیرم؟ به خدا قسم، اقرار می‌کنم گرچه خلاف میلم باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۹۳). از این رو، امام رضا (علیه‌السلام) بارها در خلال مناظرات به تورات، انجیل و زبور استناد و بخش‌هایی از این کتاب‌ها را قرائت فرمودند.

امام در مناظره با علمای مذاهب با زبان خود آن‌ها گفتگو می‌کردند. برای مثال، جاثلیق به امام عرض کرد: ای پسر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اینجا مردی سندی است و او نصرانی است و اهل احتجاج و کلام به سندی است. پس او را حاضر کردند و امام با او به سندی سخن گفت. سپس امام دلایل خود را بیان نمود و از چیزی

به چیز دیگر به سندی نقل می‌کرد. پس همگی شنیدیم که سندی گفت: ثبطی، ثبطی، ثبطه. پس امام فرمود: به تحقیق سندی به توحید و یکتایی خداوند اقرار کرد و بحث را آن‌قدر ادامه دادند تا سندی گفت: «اشهد ان لا اله الا الله و ان محمد رسول الله». همچنین، در گفتگویی که با فرد رومی داشتند، به زبان وی با هم سخن گفتند (بحرانی اصفهانی، ۱۴۳۰ ق، ج ۲۲: ۱۳۹-۱۴۱). همچنین امام (علیه‌السلام) به نوفلی وعده داد که با اهل تورات با توراتشان، با اهل انجیل با انجیلشان، با اهل زبور با زبورشان، با صابئین به عبری، و با زردشتیان به فارسی و با رومیان به رومی و با هر عالمی از هر فرقه به زبان خودشان بحث کند و پیروز شود (همان: ۲۲۹-۳۰۱).

۷-۳ میدان دادن به طرف مقابل

تحمل اختلاف نظرها و سلیقه‌ها و دوری‌جستن از اهانت به اعتقادات دیگران و میدان دادن به طرف مقابل، یکی از مؤلفه‌های سیره‌تعلیمی - تربیتی امام (علیه‌السلام) در مناظره‌هاست که بر مبنای تنوع درک و استعدادهای بشری و نیز تنوع سطوح و لایه‌های معرفت استوار است. ایشان با پذیرش تفاوت‌های فکری و اختلاف سلیقه‌ها و طبایع انسانی و وجود لایه‌های مختلف معنایی در معارف بشری و آموزه‌های دینی، آثار و لوازم طبیعی و معقول آن را نیز به رسمیت می‌شناختند و بر آن بودند تا در مناظره‌های خویش، با جهت‌دهی صحیح این اختلاف‌ها به مشترکات دینی بپردازند و با گشودن باب اجتهاد بر پایه‌معیارهایی چون قرآن و سنت صحیح و تعقل، زمینه را برای ظهور بیشتر آزادی و رشد اندیشه‌ها فراهم کنند. چنان‌که در خلال مناظره با اصحاب ادیان نه‌تنها به سخنان آنان به دقت گوش فرا می‌دادند، بلکه به آنان اطمینان قلبی می‌دادند که در برابر بیان عقاید خود امنیت جانی آنان از طرف امام حفظ خواهد شد. (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۶۲۴). امام رضا (علیه‌السلام) نیز در موارد متعدد از این شیوه استفاده کرده است. مخیرگذاشتن طرف مقابل در شروع پرسش یا پاسخ، نشان دیگری از برخورد اقتدارآمیز امام (علیه‌السلام) در راستای تعلیم طرف مقابل است. برای نمونه، در جلسه‌مهمی که تمام سران ادیان و مذاهب حضور

داشتند، یکی از مسائلی که کاملاً امام رضا (علیه السلام) رعایت می کرد، میدان دادن به طرف های مقابل بود. این که حضرت می فرماید: «هر چه به نظرت می آید بپرس، من جواب می دهم» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۵۶) علاوه بر نشان دادن تسلط کامل امام (علیه السلام) فرصت را به طرف مقابل می دهد نه به خودش؛ برخلاف روش متداول که شخص شروع کننده سخن باشد تا در احتجاج و مناظره فرصت طلبی کند و از این راه بتواند بر طرف مقابل غلبه یابد. حضرت در مناظره، هرگز حالت تهاجمی نگرفت و شروع به پرسش نمی کرد بلکه با حوصله فراوان به مخالفان میدان می داد تا اگر خواستند، پیشقدم شوند. در همین راستا، به رأس الجالوت پیشوای بزرگ یهودیان فرمود: «از من می پرسی یا من از تو بپرسم؟» رأس الجالوت در جواب می گوید: من می پرسم ولی هیچ دلیلی را از تو نمی پذیرم مگر اینکه در تورات، انجیل، زبور داود، صحف ابراهیم یا موسی باشد. حضرت با اینکه از اول به او میدان داد، در مرحله بعدی نیز از پیشنهاد او کاملاً استقبال و میدان را برای او بازتر کرد. برعکس، مخالف عرصه را بر حضرت تنگ تر کرد و گفت فقط از منابع مورد قبول خودش حجت می پذیرد. با این حال، حضرت به گرمی پذیرفت و فرمود: «دلیلی از من نپذیر مگر آنچه که از تورات بر زبان موسی و آنچه که از انجیل بر زبان عیسی و آنچه که از زبور بر زبان داود آمده است.» (طبرسی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۶۱۴). البته، این گونه آزادی قایل شدن برای رقیب از هر کسی بر نمی آید. انسان های آگاه چون امامان معصوم (علیهم السلام) و آنها که به علم بی نهایت الهی متصل هستند، می توانند شجاعانه اعلام کنند.

۳-۸ استناد به اصول مشترک بین ادیان

آنچه در مناظره می تواند سبب نتیجه بخشی باشد، توجه به اصول مشترک بین ادیان است. امام رضا (علیه السلام) هم در مناظره های شان بر این نکته توجه داشتند. همچنان که در مناظره با اهل کتاب مباحثی چون توحید، پیامبران الهی و نزول کتاب های آسمانی مطرح و با استناد به همین امور، حقانیت آن اثبات می شد. امروزه این امر از موارد ضروری گفتگوی میان ادیان و بهترین راه معرفی اسلام است

(طاهری آکردی، ۱۳۸۷: ۱۶۳). امام رضا (علیه‌السلام) در مناظره با اصحاب ادیان، با استفاده از کتاب‌های مورد قبول آنان، بسیاری از مطالب را اثبات کردند تا جایی که رأس‌الجالو (بزرگ قوم یهود) در این باره خطاب به امام رضا (علیه‌السلام) می‌گوید:

«ای فرزند محمد، به خداوند سوگند! به خداوندی که تورات را بر موسی و زبور را بر داود نازل کرد! کسی را ندیدم مانند تو تورات و انجیل و زبور را قرائت کند و بیانی شیرین‌تر و تفسیری روشن‌تر از بیان و کلام شما ندیدم.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ۶۲۴). نمونه‌ای از استناد به نقل امام در مناظره با بزرگ یهودیان، در اشاره به سفر اول از زبور است تا آنگاه که به نام محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم‌السلام) رسیدند و سپس فرمودند: ای رأس‌الجالوت، تو را به خداوند سوگند می‌دهم! آیا این مطلب در زبور نیست؟ همان‌طور که به جاثلیق امنیت دادم، به تو هم خواهم داد و اگر راست بگویی در پناه من هستی. رأس‌الجالوت نیز در جواب تأیید و خاطرنشان می‌کند که آنان با نام ذکر شده‌اند. در ادامه، این گفتگوی امام، رأس‌الجالوت را به حق آیات دهگانه‌ای که خداوند متعال بر موسی در تورات نازل کرد، قسم می‌دهد که: «آیا صفت محمد، علی، فاطمه، و حسنین (علیهم‌السلام) را در تورات دیده‌ای؟ که خداوند آنان را به فضیلت و عدل ستوده است؟» رأس‌الجالوت نیز گفته امام را تصدیق و خاطرنشان می‌کند: آری، هر کس منکر این حقیقت شود کافر است. امام بلافاصله ادامه می‌دهند: پس اکنون فلان سفر تورات را گوش دهید. در این هنگام، حضرت رضا (علیه‌السلام) شروع به خواندن تورات کردند و رأس‌الجالوت تعجب می‌کرد که چگونه آن جناب با فصاحت و بلاغت آن را قرائت می‌کند. امام تورات را خواند تا به احمداد و دختر احمداد، و ایلیا، و شبیر، و نام حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) رسید. رأس‌الجالوت گفت: شبیر که در تورات هست، تفسیرش به زبان عربی محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین هستند. امام رضا آن سفر را تا آخر قرائت کردند. سپس رأس‌الجالوت گفت: «ای فرزند محمد، به خداوند سوگند اگر ریاستی که اکنون در میان یهود دارم نبود، به احمداد ایمان می‌آوردم و از فرمان تو اطاعت می‌کردم.» (همان، ۱۴۰۳ق: ۶۲۵).

۳-۹ شیوه همراهی با خصم

گاهی برای روشن شدن حقیقت و رسیدن به هدف باید در ظاهر تسلیم خصم شد و به تدریج ذهن او را برای قبول آن آماده ساخت. اگر مربی بخواهد در ابتدا بدون آمادگی مترتی، وی را به سوی حقیقت فرابخواند، ممکن است با واکنش مدافعانه یا مخالفت‌آمیز مواجه شود. بر این اساس، امام رضا (علیه‌السلام) در مناظرات خود روش همراهی را به کار برده است که نمونه بارز آن در مناظره امام (علیه‌السلام) با جاثلیق است که در آغاز با او همراهی و سرانجام عقیده و پیام خود را اعلام می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۷۵).

در جلسه مناظره، جاثلیق ابتدا رو به مأمون می‌گوید: یا امیرالمؤمنین، چگونه با فردی گفتگو کنم که در مقام اثبات مدّعی خود، به کتاب و پیامبری احتجاج می‌کند که من منکر آنها هستم؟ او با این حرف سعی می‌کند تا دست امام را از منابعی که بیشتر بر آنها تسلط دارد خالی کند، با این تصوّر که امام فقط از منابع قرآن و سنت آگاهی دارد و اطلاعاتی از کتاب‌های ادیان دیگر ندارد و با تسلطی که بر منابع خود دارد، می‌تواند امام را شکست دهد. امام در پاسخ به او وعده می‌دهد که در مناظره با وی به انجیل استناد خواهد کرد (بحرانی اصفهانی، ۱۴۳۰ق، ج ۲: ۲۹۹-۳۰۱).

۳-۱۰ آزاداندیشی فکری

انسان موجودی متفکر و آگاه است. به همین سبب، آگاهی و شناخت نقش مهمی در شکل‌دادن به گرایش‌ها و رفتارهای وی دارد. این قاعده درباره گرایش‌ها و رفتارهای اخلاقی انسان نیز صادق است. از این رو، پرورش شناخت و بصیرت اخلاقی مورد توجه بوده و روش‌هایی برای تحقق این مهم مطرح شده است. یکی دیگر از محورهای مهم سیره تعلیمی - تربیتی مناظرات امام رضا (علیه‌السلام) با ارباب ادیان و مذاهب مختلف توسعه و ترویج آزاداندیشی فکری است. امام رضا (علیه‌السلام) استقلال فکری و رشد اندیشه و به کار انداختن قدرت تفکر را فی‌نفسه ارزش می‌داند

و آن را یکی از دو هدایت می‌شمارد و با تمجید از گرایش مردم به پرسش، تحقیق و انتخاب آگاهانه، هر فردی را در اندیشه آزاد می‌داند و در اصل اندیشه، تحمیلی قایل نمی‌شود.» (ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج: ۱، ۱۵۵). نکته‌ای که باید روشن شود اینکه باید میان آزادی فکر و آزادی عقیده تفاوت قایل شد. آنچه مورد حمایت و تأیید اسلام بوده، آزادی فکر و اندیشه است نه آزادی عقیده. توضیح مطلب آنکه عقیده وقتی محترم است که از راه فکر آزاد پدید آمده باشد نه از روی تقلید، تعصب، جهل، عادت و امثال آن (موسوی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۹۱). مسئله تفکیک آزادی فکر و عقیده در فرهنگ و سیره رضوی، کاملاً مشهود و قابل فهم است. نمود آزادی فکر و اندیشه را می‌توان در نهضت کلامی و حضور فعال فرقه‌های اعتقادی در عصر امام رضا (علیه‌السلام) جستجو کرد. با وجود این، امام در عین به رسمیت شناختن حق آزاداندیشی و آزادی فکر برای مخالفان و پیروان ادیان، هدف عمده‌ای که از مناظره‌های کلامی خود دنبال می‌کند، اثبات حقانیت و برتری اسلام و عقیده بر حق تشیع با اتکا به منطق و برهان است (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۱۷۹-۱۹۰). حضرت در مناظره با عمران صابئی، حدود هشتبار او را به تعقل، تنبّه دادند (طبرسی، ۱۳۵۰ق: ۴۲۲) و این به سبب آن بود که مطمئن شوند جواب‌های آن حضرت را فهمیده است. نمونه دیگر، مناظره با جاثلیق و رأس‌الجالوت است که حضرت به آن دو اجازه دادند تا آزادانه بتوانند عقایدشان را بیان کنند (عطاردی، ۱۳۷۹ق: ۹۳). نمونه‌ای دیگر از این آزاداندیشی در مناظرات امام رضا (علیه‌السلام) زمانی است که حضرت با پایان یافتن مناظره، خطاب به رؤسای ادیان می‌فرماید: «ای قوم، اگر در میان شما کسی مخالف اسلام است و سؤالی دارد، هر سؤالی که می‌خواهد، بدون هیچ خجالتی مطرح کند.» (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۱۵۴).

۳-۱۱ حفظ کرامت انسانی

شناخت انسان و بررسی ابعاد و شئون مختلف او، مورد اهتمام ادیان، مکاتب و شماری از رشته‌های علوم بشری است. کرامت ذاتی انسان به معنای شرافت، بزرگی و والایی او، نقطه تلاقی بسیاری از انگاره‌های انسان‌شناسانه است. این اصطلاح در

معنای عام خود بیانگر ارزشمندی و والایی ذاتی انسان و برتری او نسبت به موجودات دیگر است. هریک از ادیان، مکاتب و علوم بشری مانند دانش حقوق، فلسفه و علوم تربیتی از زاویه‌ای خاص به این موضوع نگرینسته و ابعاد مختلف آن را بررسی کرده‌اند و حفظ و پرورش و تعالی این موهبت الهی را خواستار هستند (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: صادقی، ۱۳۸۵: ۱۳۸-۱۱۷). علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه ۷۰ سوره اسراء که خداوند متعال برتری و کرامت ذاتی انسان‌ها را اعلام می‌کند، فرموده است: «مقصود آیه، بیان حال همه انسان‌هاست قطع نظر از کرامت الهی و قرب و فضیلت روحی خاص برای پاره‌ای از افراد.» (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۱۵۶). در همین راستا، علامه محمدتقی جعفری نیز با توجه به همین آیه سوره اسراء، فرمودند: «به‌همین دلیل قاطع و صریح، افراد انسانی باید کرامت و حیثیت را برای یکدیگر به‌عنوان یک حق بشناسند و خود را در برابر آن حق مکلف ببینند.» (جعفری، ۱۳۸۹: ۸۰).

گفتار و رفتار گزارش‌شده در سیره تعلیمی - تربیتی امام رضا (علیه‌السلام) منبعی غنی و سرشار برای بازخوانی کرامت انسان در همه عرصه‌ها به‌ویژه در برخورد با دانشمندان سایر ادیان و مذاهب در میدان مناظرات است. دعوت به اندیشه و تعقل، رعایت اخلاق و احترام مخاطبان، حتی در جایی که طرف مقابل پایبند آن نیست و یا ادعای او صددرصد باطل است، بیانگر اعتقاد به اصل کرامت انسانی است.

برخورد امام به‌ویژه با بزرگان ادیان و مذاهب، به‌گونه‌ای است که شائبه هرگونه خودمحوری و تلاش برای اثبات منطق خویش به هر طریق را از ذهن می‌زداید. امام از مغالطه و به انحراف کشیدن بحث، برجسته‌کردن ضعف طرف مقابل، توهین و تمسخر مخاطب و مقدسات او همواره پرهیز داشتند. این در حالی است که بارها مخاطبان آن بزرگوار از مسیر انصاف و اعتدال خارج شده و با مغالطه و جدال، سعی در شکست ایشان داشتند. برای نمونه، می‌توان به گفتگوی امام با جاثلیق اشاره کرد. او از کوچک‌ترین فرصتی در جهت نقد شخصیت امام و تحقیر و کوچک‌کردن ایشان استفاده می‌کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۲۳۹). با وجود این، می‌توان گفت کرامت به‌معنای نزهت روح و پیراستگی جان از هرگونه پستی و فرومایگی است

(جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۲۲) و این سیره در تمام مناظره‌های امام (علیه‌السلام) محور تعلیم و تربیت افراد قرار گرفته است.

۱۲-۳ جدال احسن

یکی از شیوه‌های مهم تربیتی در میدان مناظره «جدال احسن» است که قرآن نیز به این موضوع امر و یافتن شیوه مناظره احسن و مؤثر را پیشنهاد می‌کند. (نحل/۱۲۵؛ عنکبوت/۶۴). امام (علیه‌السلام) در مناظره‌های خود با اصحاب ادیان و مذاهب مختلف، اگرچه از اصولی که طرف مقابل کاملاً آنها را قبول دارد استفاده کرده است، ولی همیشه جدال احسن داشته‌اند و به مقتضای ادب خویش و با هدف بیان حق و هدایتگری، همواره در احتجاج‌های خویش، از استناد به مطالبی که سبب ستیزه‌جویی و لجاجت و درگیری شود، پرهیز می‌کردند.

از نمونه‌های بارز جدال احسن در مناظره‌های امام (علیه‌السلام) مناظره با سلیمان مروزی است که در فلسفه مهارت داشت و در تحقیقات الهیات مجرب بود و برجسته‌ترین عالم دینی در خراسان به‌شمار می‌رفت. در این مناظره مسائلی مانند بداء و حادث بودن اراده مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد. این مناظره حاوی تحقیقات دینی مهمی است که نشان می‌دهد امام (علیه‌السلام) توانایی علمی زیادی داشته است و این، عقیده شیعه امامیه را ثابت می‌کند که می‌گفتند امام باید داناترین مردم زمانش باشد (قرشی، بی‌تا، ج ۱: ۱۹۰). با عنایت به ترسیم فضای مناظره‌های امام، می‌توان محورهایی مانند آزادگذاشتن طرف مقابل، فرصت سؤال و دفاع به طرف مقابل، احاطه علمی، حاکمیت عقل و منطق به جای تعصب، اعتمادسازی و مستندگویی، استفاده از واژگان با بار معنایی ارزشی، انسجام کلی مطالب ارائه‌شده، استفاده از نقل قول‌های مورد تأیید مخالف، تأکید ساختاری، تحقیر نکردن عقیده مخالف و نظم و انضباط جلسه، از مؤلفه‌های مهم جدال احسن در مناظرات امام (علیه‌السلام) با اصحاب ادیان و مذاهب برشمرد. برای نمونه، حضرت هر فرد را با نام

مذهبتش مثلاً «یا جاثلیق» و «یا نصرانی» و امثال آن، بدون هیچ‌گونه کوچک‌کردن آن شخص صدا می‌کند، در حالی که یکی از آنان مأمون را خطاب قرار داد و درباره حضرت لفظ «رجل» را به کار برد. (ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ۱۵۶؛ همان، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۱۳-۴۱۸).

از مصداق‌های دیگر می‌توان به احتجاج امام (علیه السلام) با دانشمندان دیگر ادیان و مذاهب اشاره کرد. آن حضرت در مناظره‌های خود با اهل کتاب، با بهره‌گیری از شیوه «جدال احسن» برای اثبات دیدگاه خویش و ابطال نظر آنان، به کتاب‌های مقدس آنها (عهد جدید و عهد قدیم) استناد می‌کردند (ر.ک: توماس میشل، ۱۳۷۷: ۲۳۲۷) که آموزه‌هایش مورد قبول آنان بود (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۴۴۱-۴۰۱). البته، روشن است که استناد امام (علیه السلام) به تورات، انجیل و زبور لزوماً به معنای پذیرش وحیانی بودن همه آموزه‌های موجود در نسخه‌های کنونی آنها و راه‌نیافتن تحریف در آنها نیست و تنها در صورتی می‌توان درستی مضامین و انطباق آن با وحی نازل شده بر پیامبران پیشین را پذیرفت که با آموزه‌های توحیدی قرآن و سنت، عقل سلیم و حقایق مسلم تاریخی در تضاد نباشد. برای مثال، امام (علیه السلام) در مناظره با جاثلیق، با اشاره به معجزاتی مانند معجزات حضرت عیسی (علیه السلام) به دست پیامبرانی دیگر، عبودیت و بندگی آن حضرت برای خداوند و ارائه یک شخصیت کاملاً انسانی برای ایشان در سه انجیل متی، مرقس و لوقا، اعتقاد به الوهیت او را (همان: ۴۱۹) به نقد و چالشی بنیادین کشیدند.

۳-۱۳ رعایت انصاف و عدالت

در مناظره و احتجاج، باید طرفین از مرز انصاف خارج نشوند و تنها به فکر غلبه و پیروزی از هر راهی نباشند. انصاف در گفتگو آن است که هر یک از دو طرف، به اصول اساسی گفتمان پایبند باشند، از مغالطه و کلام باطل دوری کنند، سخن همراه با دلیل را بپذیرند و از پذیرش حق فرار نکنند. در حقیقت، رعایت انصاف در گفتمان،

تسلیم بودن در برابر حرف حق و استدلال درست است. این مطلب که گفتگوهای امام (علیه‌السلام) در چارچوبی منطقی و عقلانی و در حیطة انصاف به انجام می‌رسید، موضوعی انکارناپذیر است زیرا وقتی با شخصی رودر رو می‌شود که پایبند به هیچ یک از اصول دینی نیست، در پاسخ می‌فرماید: اعتقادات ما به ما ضرری نمی‌رساند، ولی اگر آنچه که می‌گوییم درست باشد، در این صورت شما به هلاکت خواهید افتاد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق: ۲۶۵). امام رضا (علیه‌السلام) در مناظره‌های خود، بر این شیوه تربیتی مهم تأکید داشتند و سعی می‌کردند حتی پیش از ورود به بحث، آن را به مخاطب خود گوشزد کنند؛ مانند مناظره آن حضرت با عمران صابی که در آغاز، به او فرمودند: «ای عمران! هر چه می‌خواهی بپرس، اما انصاف داشته باش و از سخن بیهوده و باطل برحذر باش.» (همان، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۶۸). امام در مناظره با بزرگ زرتشتیان، از اعتدال و انصاف در مناظره سخن گفتند. اینکه خداوند نور، واحد، یگانه و بی‌نیاز است. در این مناظره هم امام بر معجزه که استناد عالم زرتشتی برای اعتقاد به وی بود استفاده و تصریح کردند که اگر صرف معجزه، دلیل ایمان به زرتشت است پس نباید به‌همین دلیل از ایمان به پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) طفره رفت (فضل‌الله، ۱۳۸۳: ۲۱۶).

استناد به منابع قابل قبول طرف مناظره گامی در جهت نهادینه کردن عدالت بحث در مناظره است. امام رضا (علیه‌السلام) با عنایت به همین شیوه، به نوفلی فرمود: «می‌روم با مسیحی‌ها با انجیل‌شان، با یهودی‌ها با تورات‌شان، با صابئی‌ها با آیین خودشان، با هیربدان با آیین پارسی‌شان و با رومیان به زبان خود آنان بحث می‌کنم تا مأمون بفهمد که خلافت را به ناحق غصب کرده است.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰: ۳۱۸). امام (علیه‌السلام) در مناظره با عمران فرمود: «ای عمران، از من سؤال کن، اما عدالت را فرو منه و از بیان بیهوده و باطل حذر کن.» (قرشی، بی‌تا، ج ۱: ۱۷۳).

۱۴-۳ گفتگوی روشن و بدون تعصب

خداوند در قرآن چنان به آرامش و لطافت در برخورد با صاحبان دیگر اندیشه‌ها سفارش کرده است که حتی به موسی (علیه السلام) تأکید می‌کند که با فرعون نیز باید به نرمی و آرام سخن بگویند (طه/۴۴). این رفتار شایسته در برابر دیگر ادیان، فقط به همین مورد خلاصه نمی‌شود بلکه دستور صریح می‌دهد که «با اهل کتاب جز به نیکوترین طریق، بحث و مجادله نکنید» و البته ستمکاران ایشان را از این گروه متمایز ساخته است (عنکبوت/۴۶).

هدف امام رضا (علیه السلام) که هادی و راهنمای برحق انسان‌هاست از انجام مناظره‌ها تنها به مباحث علمی منحصر نمی‌شد، بلکه ایشان سعی می‌کرد در عمل نیز افراد را به راه حق و حقیقت هدایت کنند. برای نمونه، امام رضا (علیه السلام) در مناظره با بزرگ میسحیان، علاوه بر آنکه به صورت نظری بر او پیروز می‌شوند و اثبات می‌کنند که اسلام دین حق است، بیان می‌کنند که اگر اسلام بیاورد، در عمل نیز او را حمایت خواهند کرد و با روی باز او را خواهند پذیرفت. امام رضا (علیه السلام) در روش منطقی خود در برخورد با مخالفان از ادیان و مذاهب مختلف، هرگز رفتار متعصبانه نداشت و به دور از هرگونه تعصب، با ایشان که به صورت آشکار منکر قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌شدند، همان کتابی را مبنای مناظره خود قرار می‌داد که آنان به آن معتقد بودند و حجت و دلیل خود را از آن کتاب اقامه می‌کرد (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۱۱). از این گذشته، حتی بنا به درخواست این گروه، هنگامی که می‌خواست دو شاهد عادل را برای قطعی کردن سخنش معرفی کند، از کسانی نام می‌برد که هم‌کیش خودش (یعنی مسلمانان) نیستند و در عین حال مورد قبول طرف مقابل می‌باشند. (همان).

نتیجه‌گیری

با عنایت به اهمیت تعلیم و تربیت در زندگی، دستیابی به روشی مطمئن و بدون خطا و در عین حال، جامع و کاربردی برای تحقق آن بسیار مهم و ارزشمند است. دوران امام رضا (علیه‌السلام) به علت شرایط خاصّ خلافت عباسیان، وجود فرقه‌های مخالف درون شیعی، وجود فرقه‌های مخالف اهل سنت، حضور فعال ادیان و مذاهب مختلف، در صدر بودن مأمون بر مسند خلافت با نگرشی متفاوت با علویان، آزادی نسبی ابراز اندیشه و تفکر در جامعه و نهضت ترجمه، شاخص‌ترین دوره عصر ائمه (علیهم‌السلام) شمرده می‌شود. در این راستا، سیره امام رضا (علیه‌السلام) به‌عنوان کامل‌ترین شخصیت انسانی و رهبر فکری عصر خویش به رویارویی و موضع‌گیری در برابر اندیشه‌های منحرف و التقاطی ارباب ادیان و مذاهب مختلف به‌عنوان یک گروه پویا و فعال پرداختند. در مرحله آغازین، امام (علیه‌السلام) از روش مناظره و گفتگو استفاده کردند که سبک‌شناسی و رفتارشناسی این گفتگوها یک بُعد از ابعاد نورانی سیره امام (علیه‌السلام) شمرده می‌شود. در این راستا، امام (علیه‌السلام) افزون بر تعلیم مفاهیم و معارف وحیانی در مباحث اعتقادی، و پاسخگویی به شبهه‌ها و انحراف‌های فکری و عقیدتی، هدایت و تربیت مخالفان را سرلوحه خط فکر خویش قرار دادند. مهم‌ترین ابعاد سیره تعلیمی - تربیتی امام (علیه‌السلام) در مواجهه و مقابله با ارباب ادیان و مذاهب مختلف، به شرح زیر است:

۱. اهداف آموزشی ۲. تأکید بر مبانی اساسی اسلام ۳. استفاده از روش پرسش و پاسخ
۴. استناد به امور عقلی ۵. استفاده از الگوی حکمت ۶. استناد به متون مقدس و زبان اقوام و ملل گوناگون ۷. میدان دادن به طرف مقابل ۸. استناد به اصول مشترک بین ادیان ۹. شیوه همراهی با خصم ۱۰. آزاداندیشی فکری ۱۱. حفظ کرامت انسانی ۱۲. جدال احسن ۱۳. رعایت انصاف و عدالت در بحث ۱۴. گفتگوی روشن و بدون تعصب.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۲). *عیون اخبار الرضا (ع)*. مترجمان: علی اکبر غفاری و حمید مستفید. تهران: صدوق.
- (۱۴۰۴). *عیون اخبار الرضا (ع)*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- (۱۳۹۰). *عیون اخبار الرضا (ع)*. ترجمه: آقا نجفی. قم: جامعه مدرسین.
- (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا (ع)*. تهران: بی نا
- (۱۳۸۷). *توحید*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- (۱۳۶۱). *الأمالی*. تهران: کتابخانه اسلامی.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی. (۱۳۶۶). *تحف العقول عن آل الرسول*. مترجم: علی اکبر غفاری. تهران: کتابچی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (بی تا). *المناقب آل ابی طالب*. تصحیح: سیدهاشم رسولی. قم: مطبعه العلمیه.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغه*. محقق: عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). *لسان العرب*. قم: نشر ادب الحوزه.
- ابن واضح، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۷۵). *تاریخ یعقوبی*. نجف: مکتبه الحیدریه.
- اصفهانی، ابوالفرج. (بی تا). *الاغانی*. قم: دارالفکر.
- امینی فر، حسن. (بی تا). *روش شناسی مناظرات امام رضا (ع)*. بی جا.
- آقاسید محمد قاری، فاطمه سادات. (۱۳۹۱). *ابعاد معرفتی امام رضا (ع) در برخورد با دانشمندان سایر مذاهب و ادیان*. بی جا.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله. (۱۴۳۰). *عوامل العلوم و المعارف و الاحوال من الایات و الاخبار و الاقوال*. با مستدرکات: سید محمدباقر ابطحی. قم: مؤسسه امام مهدی (عج).
- جعفری، محمد تقی. (۱۳۶۵). «تفسیری بر احتجاج امام علی بن موسی الرضا (ع) با عمران صابی». *مجموعه آثار دومین کنگره جهانی حضرت رضا (ع)*. بی جا.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۳). *فلسفه الهی از منظر امام رضا (ع)*. مترجم: زینب کربلائی. قم: مرکز انتشارات اسراء.
- (۱۳۷۲). *کرامت در قرآن*. تهران: نشر فرهنگی رجا.
- (۱۳۸۱). *دین شناسی*. قم: اسراء.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (بی تا). *انباه الهداه*. قم: مطبعه العلمیه.
- حسینی زاده، سیدعلی. (۱۳۸۶). *سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت (ع)*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خاکپور، حسین و دیگران. (۱۳۹۳). «نقش و آثار مدیریت فرهنگی امام رضا (ع) بر جامعه شیعه». *فرهنگ رضوی*. ش ۸، صص: ۵۶-۳۱.
- (۱۳۹۴). «اخلاق مناظراتی و مناظرات اخلاقی در سیره رضوی و شیوه به کارگیری آن در کرسی های آزاداندیشی». *اخلاق زیستی*. ش ۱۵، صص: ۱۹۳-۱۶۴.
- خیاط، علی و دیگران. (۱۳۹۲). «روش شناسی انتقال مفاهیم تربیتی از نگاه امام رضا (ع)». *پژوهش های اجتماعی*

- اسلامی. ش ۹۹. صص: ۸۰-۶۱.
- درخشه، جلال و حسینی فائق، سیدمهدی. (۱۳۹۱). سیاست و حکومت در سیره امام رضا (ع). چاپ اول: تهران: انتشارات بنیاد فرهنگی هنری امام رضا (ع).
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۵۲). لغت نامه. تهران: بی نا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. تحقیق: صفوان عدنان داوودی. بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
- رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۷). آداب گفتگو و مناظره از دیدگاه قرآن و روایات. قم: دلیل ما.
- روحی برندق، کاووس. (۱۳۹۶). «اخلاق و مهارت‌های مناظره در مناظره‌های امام رضا (ع)؛ مطالعه موردی: مناظره امام رضا (ع) با متکلمان ادیان و مذاهب». فرهنگ رضوی. ش ۱۸. صص: ۳۰-۱.
- زبیدی، محمدمر ترضی. (بی تا). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالمکتبه الحیة.
- زرسازان، عاطفه. (۱۳۹۵). «واکاوی مؤلفه‌های تعلیم در تبیین آموزه‌های وحی در سیره رضوی». فرهنگ رضوی. ش ۱۸. صص: ۹۴-۶۳.
- سپنجی، امیر عبدالرضا و مؤمن دوست، نفیسه. (۱۳۹۰). «اقناع و تغییر نگرش، جایگاه آن در سیره ارتباطی امامان معصوم (ع)؛ مروری بر مناظرات مکتوب حضرت امام رضا (ع)». دوفصلنامه علمی پژوهشی دین و ارتباطات. دوره ۱۸. ش ۴۰. صص: ۱۴۴-۱۱۷.
- شجاعی گلپایگانی، سیدزین العابدین. (۱۳۳۳). زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا (ع). قم: دفتر نشر مصطفی.
- شریفی، عنایت‌الله و دیگران. (۱۳۹۶). «روش‌های تبلیغی امام رضا (ع)». فرهنگ رضوی. ش ۱۹. صص: ۱۷۶-۱۴۹.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۳۷۴). منیة المرید فی آداب المفید و المستفید. مترجم: سید محمدباقر حجتی. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صادقی، محمود. (۱۳۸۵). «کرامت انسانی». پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی. ش ۲ و ۳. صص: ۱۳۸-۱۱۷.
- طاهری آکردی، محمدحسین. (۱۳۸۷). پیشینه تاریخی گفتگوی اسلام و مسیحیت با تأکید بر دیدگاه شیعه و کاتولیک. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- _____ (۱۳۷۴ق). المیزان فی تفسیر القرآن. مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- _____ (۱۳۸۲). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۱۳ق). الاحتجاج. به کوشش: سید محمدباقر خراسانی. قم: بی نا.
- _____ (۱۴۰۳ق). الاحتجاج. مترجم: نظام الدین احمد غفاری. تهران: مرتضوی.
- _____ (۱۳۵۰ق). الاحتجاج. نجف: الطبعة المرتضویه.
- عطاردی، عزیزالله. (۱۴۰۶ق). مسند الإمام الرضا (ع). مشهد: آستان قدس رضوی.

- (۱۳۷۹ ق). مسند الإمام الرضا (ع). مشهد: آستان قدس رضوی.
- فضل الله، محمدجواد. (۱۳۸۳). *تحلیلی از زندگانی امام رضا (ع)*. مترجم: محمدصادق عارف. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- القرشی، باقر. (بی تا). *حیاه الامام الرضا (ع)*. بیروت: منشورات سعیدبن جبیر.
- کریمی، محمود و میرحسینی، یحیی. (۱۳۹۱). «گونه‌شناسی روش‌های مقابله با ادیان و مذاهب در سیره امام رضا (ع)». مجموعه مقالات همایش علمی - پژوهشی امام رضا (ع): ادیان، مذاهب و فرق. تهران: مطالعات فرهنگ - ارتباطات. ش ۲۳. صص: ۱۱۴-۹۵.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لک‌زایی، صغری و قاسم‌نژاد، زهرا. (۱۳۹۱). «گونه‌شناسی برخورد امام رضا (ع) با جریان‌های انحرافی جامعه اسلامی». *انتظار موعود*. ش ۳۸. صص: ۱۴۱-۱۱۶.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۷۵). *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الأطهار*. تهران: مکتبه الاسلامیه.
- (۱۴۰۳ ق). *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الأطهار*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- (۱۳۷۶ ق). *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الأطهار*. تهران: مکتبه الاسلامیه.
- مرتضوی، سیدمحمد. (۱۳۷۵). *نهضت کلامی در عصر امام رضا (ع)*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مصلابی‌پور، عباس و سلیمی، مریم. (۱۳۹۲). «اصول مناظره و آزاداندیشی با تکیه بر مناظره‌های امام رضا (ع)». *فرهنگ رضوی*. ش ۳. صص: ۱۱۴-۸۷.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۳). *مجموعه آثار*. چاپ یازدهم. قم: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۸). *مناظرات هفتگانه امام با پیروان مکاتب مختلف*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- موسوی‌زاده، سیدمحمد. (۱۳۸۴). *نگرش اسلام به سایر ادیان و ملل*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- میراحمدی، منصور و رضایی‌پناه، امیر. (۱۳۹۵). «تحلیل گفتمان مناظره‌ها و مجادله‌های حضرت رضا (ع) با دگرهای گفتمانی». *فرهنگ رضوی*. ش ۱۴. صص: ۹۶-۷۵.
- میشل، توماس. (۱۳۷۷). *کلام مسیحی*. مترجم: حسین توفیقی. قم: مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب.
- هاشمی اردکانی، سیدحسن و میرشاه جعفری، سیدابراهیم. (۱۳۸۷). «روش مناظره علمی در سیره آموزشی امامان معصوم (ع) (مطالعه موردی: مناظرات امام رضا (ع))». *تربیت اسلامی*. ش ۷. صص: ۲۳-۹.